

تفرشی، آقاصادق - هجری تفرشی

تفرشی، ابوالحسن - بهرامی، ابوالحسن خان

تفرشی، فیض‌الله بن عبدالقاهر حسینی نجفی معروف به میرفیض‌الله، محدث و فقیه شیعی قرن یازدهم. وی در تفرش به دنیا آمد (تفرشی، ج ۴، ص ۳۳). از تاریخ تولد او اطلاعی در دست نیست. تفرشی برای تحصیل به مشهد رفت، سپس عازم نجف گردید و از شاگردان خاص محقق اردبیلی شد و از او اجازه روایت گرفت (همانجا؛ خوانساری، ج ۵، ص ۳۶۸). وی همچنین از فقها و محدثان متعددی چون حسن بن زین‌الدین عاملی (صاحب معالم) روایت کرد (افندی اصفهانی، ج ۴، ص ۳۸۸-۳۹۰).
او بعد از محقق اردبیلی عهده‌دار تدریس شد و شاگردان بسیاری تربیت کرد، از جمله: برادرزاده‌اش علی بن یونس تفرشی (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۷۶)، علی بن محمود عاملی که در نجف نزد تفرشی علم آموخت و از او اجازه روایت گرفت (حرّعاملی، قسم ۲، ص ۲۱۸)، محمد بن علی تبینی، سیدمحمد جزایری، امیرشرف‌الدین علی شولستانی نجفی و محمدباقر خاتون‌آبادی که این دو نیز از وی اجازه روایت گرفتند (جزایری، ص ۷۹؛ خوانساری، ج ۵، ص ۳۶۹؛ صدر، ص ۳۳۲). به گزارش خوانساری (ج ۷، ص ۱۶۸)، احتمالاً سیدمصطفی تفرشی^۵ نیز از شاگردان او بوده است.

تفرشی در رمضان ۱۰۲۵ در نجف وفات یافت و در همانجا به خاک سپرده شد (کشمیری، ص ۴۵؛ اعتمادالسلطنه، ج ۲، ص ۶۹۸).

از جمله آثار اوست: تعلیقه بر آیات الاحکام یا زیادةالبیان محقق اردبیلی (افندی اصفهانی، ج ۴، ص ۳۸۷) که همراه با زیادةالبیان در ۱۳۰۵ و ۱۳۶۸ چاپ سنگی شده و نسخه‌های دیگری نیز با حواشی وی موجود است (به زمانی‌نژاد، ص ۱۶۶)؛ الاربعون حدیثاً یا رسالة فی اربعین حدیثاً فی سوء عاقبة المعاندين لأهل البيت که در ۱۰۱۳ تألیف و در ۱۳۱۴ همراه با نثر اللّٰثالی چاپ شده است (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۲۴، ج ۱۱، ص ۵۲؛ امین، ج ۸، ص ۴۳۲)؛ تعلیقات بر بخش الهیات از شرح ملاعلی قوشچی بر تجریدالکلام نصیرالدین طوسی (افندی اصفهانی، همانجا)؛ الانوار القمریة فی شرح الاثنی عشریة الصلّاتیة از حسن بن زین‌الدین (مؤلف معالم الاصول)؛ حاشیه بر ذخیرةالمعاد مولی محمدباقر سبزواری (متوفی ۱۰۹۰)؛ شرح معارج الاصول از محقق حلّی؛ منهاج‌الشریعة یا مفتاح الشریعة که حاشیه بر مختلف الشیعة علامه حلّی است (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۳۹).

تفرشی، مصطفی

۶۱۳

ج ۶، ص ۸۶، ۱۹۵، ج ۱۴، ص ۷۰). تفرشی بر رساله محقق اردبیلی درباره اینکه «امر به یک چیز مقتضی نهی از ضد خاص آن است» نیز نقد نوشته است (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۳۹۷-۳۹۸). به گزارش آقابزرگ‌طهرانی (۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۰۱) و خوانساری (ج ۵، ص ۳۶۸)، سید نعمت‌الله جزایری تألیف کتابی شبیه به نقد الرجال را به تفرشی نسبت داده، اما ظاهراً تألیف میرفیض‌الله طباطبائی بوده است.

منابع: محمدحسن آقابزرگ‌طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس، چاپ سنگی تهران ۱۳۰۱-۱۳۰۳، چاپ تیمور بیهان لیبودی، چاپ انست تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۳ ش؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۱۵-۱۴۱۶؛ امین؛ مصطفی بن حسین تفرشی، نقد الرجال، قم ۱۴۱۸؛ عبدالله بن نورالدین جزایری، الازالة الکبیرة، چاپ محمد سمامی حائری، قم ۱۴۰۹؛ محمد بن حسن حرّعاملی، امل الآمل، چاپ احمد حسینی، قم ۱۳۶۲ ش؛ خوانساری؛ علی‌اکبر زمانی‌نژاد، «کتابشناسی و نسخه‌شناسی آثار محقق اردبیلی»، در [مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت] محقق اردبیلی، قم ۱۳۷۵ ش؛ حسن صدر، تکملة امل الآمل، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۶؛ محمدعلی بن صادق کشمیری، کتاب نجوم السماء فی تراجم العلماء، قم: مکتبه بصیری، [بی‌تا].

/ لیلی کریمیان /

تفرشی، مصطفی بن حسین، رجالی و اصولی و فقیه امامی در سده دهم و یازدهم. شرح حال، سال و محل تولد او در منابع نیامده است (به تفرشی، ج ۱، مقدمه، ص ۸). گفته‌اند که وی با دانشمندانی چون شیخ محمدتقی مجلسی، شیخ بهاء‌الدین عاملی و میرزا محمد رجالی استرآبادی معاصر بوده و از آنان حدیث نقل کرده است (به خوانساری، ج ۷، ص ۱۶۷)؛ مدرس تبریزی، ج ۳، ص ۴۰۳؛ تفرشی، همانجا). مهمترین استاد وی مولی عبدالله تُسْتَری^۵ بوده که تفرشی در کتاب خود (ج ۳، ص ۹۹) او را بسیار ستوده و بیشترین نکات تحقیقی آن را از او دانسته (نیز به افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۲۱۲) و در ۱۰۱۹ از وی اجازه روایی گرفته است (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۳۳۷ ش، ستون ۴۶۰؛ برای متن اجازه به همو، ۱۴۱۱، ص ۵۶۶؛ پانویس). وی همچنین از محضر عبدالعالی بن علی کُرکی، فرزند محقق ثانی، بهره برده و از او روایت کرده است (تفرشی، ج ۳، ص ۶۴؛ حرّعاملی، قسم ۲، ص ۳۲۲). خوانساری (ج ۷، ص ۱۶۸) احتمال داده است که سیدفیض‌الله بن عبدالقاهر حسینی نیز از جمله استادان وی بوده باشد. تاریخ درگذشت تفرشی معلوم نیست (به مدرس تبریزی، همانجا؛ تفرشی، ج ۱، مقدمه، ص ۸)، به

نوشته آقابزرگ طهرانی (۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۲۴، ج ۲۴، ص ۲۷۴؛ همو، ۱۳۳۷ ش، همانجا) او تا ۱۰۴۴ زنده بوده است.

سیره‌نویسان شیعی از تفرشی به بزرگی یاد کرده و وی را به تبحر در علم رجال و رفعت شأن علمی و ژرف‌نگری ستوده‌اند (برای نمونه - اردبیلی، ج ۲، ص ۲۳۳؛ حرّ عاملی، قسم ۲، ص ۳۲۳؛ مامقانی، ج ۴، ص ۸۱؛ نیز - تفرشی، ج ۱، مقدمه، ص ۸-۱۰). خوانساری (همانجا) او را از پیشتاژان سرشناس در دانش رجال حدیث دانسته و وی را به کمال وثاقت و عدالت و دقت در ضبط، ستوده است.

اشتهار تفرشی بیشتر مرهون کتاب نقدالرجال اوست که درباره شناخت روایان حدیث نوشته و در ۱۰۱۵ آن را به پایان برده است (تفرشی، ج ۱، مقدمه، ص ۱۲-۱۳). هدف وی از تألیف این اثر، به گفته خودش (ج ۱، ص ۳۴)، تدوین کتابی بوده که جامع تمامی روایان حدیث، به دور از خطا، همراه با نظم و ترتیب و در بردارنده آرای دانشمندان این علم باشد تا کمبود تألیفات پیشینیان را جبران کند. رجالیان مشهور، کتاب وی را بسیار سودمند و دقیق و از بهترین آثار در رجال‌شناسی دانسته‌اند (برای نمونه - اردبیلی، همانجا؛ خوانساری، ج ۷، ص ۱۶۷-۱۶۸). برخی از ویژگیهای کار تفرشی عبارت است از: اکتفا نکردن به توثیق یا تضعیف افراد و استناد به توثیقای فقها در منابع فقهی، نام بردن از برخی از شاگردان و استاذان روایان حدیث، ژرف‌نگری و اختلاف نسخه‌های اصول رجالی، نقد و بررسی آرای رجالی علامه حلی و ابن‌داوود، ابتکار در حل برخی مشکلات رجالی (- تفرشی، ج ۱، مقدمه، ص ۱۴-۱۵). تفرشی، برخلاف روش معمول رجالیان معاصرش برخی از فقههای بزرگ را در شمار روایان آورده است (خوانساری، ج ۷، ص ۱۶۸).

شماری از فقها و علمای رجال بر نقدالرجال حاشیه نوشته‌اند، از جمله شیخ محمدتقی مجلسی، سیدعبدالله جزایری، سیدنعمت‌الله جزایری، آقامحمدعلی کرمانشاهی فرزند وحید بهبهانی و مولی عنایت‌الله قُهبایی (- آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۲۷-۲۲۸). شیخ عبدالنسی کاظمی بر آن تکمله‌ای نگاشته است (همان، ج ۴، ص ۴۱۷، ج ۲۴، ص ۲۷۵). خود تفرشی نیز سالها پس از تألیف این کتاب، بر آن حاشیه‌هایی افزوده، از جمله سال درگذشت برخی معاصران را ذکر کرده است (برای نمونه - تفرشی، ج ۳، ص ۹۹، پانویس ۳، ج ۴، ص ۳۳، پانویس ۷).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳ هـ، طبقات اعلام‌الشیعة: الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۰ هـ، مصنفی المقال فی مصنفی

علم‌الرجال، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۳۷ ش؛ محمدبن علی اردبیلی، جامع‌الزواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳ هـ؛ عبدالله بن عیسی افتدی اصفهانی، ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱-۱۴۱۵ هـ؛ مصطفی بن حسین تفرشی، نقدالرجال، قم ۱۴۱۸ هـ؛ محمدبن حسن حرّ عاملی، امل‌الآمل، چاپ احمد حسینی، قسم ۲، قم ۱۳۶۲ ش؛ خوانساری؛ عبدالله مامقانی، مقیاس الهدایة فی علم الدرایة، چاپ محمدرضا مامقانی، قم ۱۴۱۱-۱۴۱۳ هـ؛ مدرس تبریزی.

/ یحیی رهایی /

تَفَرُّقَه (۱)، اصطلاحی در بحثها و تحلیل‌های اجتماعی، مستضاد وحدت و اتحاد. تفرقه به معنای پراکنده‌کردن و جداجداکردن (شاد، ذیل واژه) و تَفَرُّقُ به معنای پراکنده شدن، جداجدا شدن و گراییدن به فَرَق (تفاوت، فاصله، جدایی) یا فُرُق (نیمه، بخش و شعبه) یا فِرَقه (گروهی کوچک، انشعاب یافته از یک جمعیت بزرگتر) است. تفرقه و تَفَرُّق در قرآن و احادیث، در مقابل وحدت و اتحاد، گاه در کنار اختلاف و گاه به جای آن به کار رفته است.

در روایات مأثور از ائمه‌علیهم‌السلام و صحابه و تابعین، عبارت قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...» (انبیاء: ۹۲؛ مؤمنون: ۵۲) به «هَذَا دِیْنُکُمْ دِیْنٌ وَاحِدٌ» تفسیر شده (طبری، ج ۱۷، ص ۶۷؛ طبرسی، ج ۷، ص ۹۹) و بیشتر مفسران پیام این آیه را امر به اجتماع و اتحاد و نهی از تفرقه در دین و فرقه‌فرقه شدن مسلمین دانسته‌اند (برای نمونه - طوسی، ج ۲، ص ۵۴۶؛ قسربطبی، ج ۴، ص ۱۵۹، ج ۱۱، ص ۳۳۸-۳۳۹). اما در آیات بعدی این آیه، در سوره‌های انبیاء و مؤمنون، فرقه فرقه شدن امت واحده، بر اثر اعمال تفرقه‌انگیز امتهای پیشین، نکوهش شده است (- انبیاء: ۵۱-۹۱، ۹۳-۹۴؛ مؤمنون: ۳۱-۵۱، ۵۳-۵۴) و در چهار موضع از قرآن کریم، همراه با تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً»، آمده است که اگر خداوند می‌خواست تمامی مسلمانان و پیروان ادیان دیگر را به صورت امتی واحد در می‌آورد (- مائده: ۴۸؛ هود: ۱۱۸؛ نحل: ۹۳؛ شوری: ۸)؛ بنابراین، تا زمانی که خداوند چنین اراده‌ای نکرده است، وحدت جامعه بشری و جوامع دینی همواره دستخوش اختلال خواهد بود. بعلاوه، در قرآن کریم اختلاف در جوامع دینی، به‌رغم ماهیت اولیه آنها که امت واحده هستند، فرآیندی طبیعی به حساب آمده (- بقره: ۲۱۳؛ یونس: ۱۹؛ هود: ۱۱۸؛ شوری: ۸، ۱۰؛ مائده: ۴۸) و منشأ اختلاف و تفرقه «بَغْی» (خودخواهی و افزون‌طلبی انسان) دانسته شده است (- بقره: ۲۱۳؛ آل‌عمران: ۱۹؛ شوری: ۱۴). در آیات دیگر به کفر و سرکشی قوم یهود و بفراموشی سپردن یادآوریهای خداوند در میان نصارا اشاره و این دو امر زمینه‌ساز